



## جلسه پرسش و پاسخ با حضور پروفسور مولانا و آقای طالب زاده



جناب آقای مولانا! شما در بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی وحدت تأکید کردید که برای تربیت نیروهای مورد نیاز به منظور تحقق انسجام اسلامی، باید دانشگاه جهانی امت اسلامی تشکیل شود. به نظر جناب عالی چه ضرورتی دارد که امت اسلامی، یک رسانه جهانی داشته باشد؟

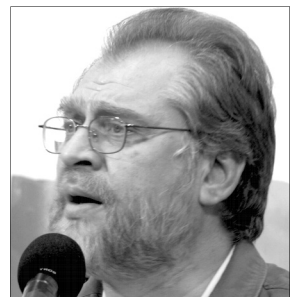
پروفسور مولانا: درباره موضوع دانشگاه جهانی امت اسلامی، ما می‌توانیم همین کار را در سطح رسانه‌ها انجام دهیم. درباره دانشگاه امت اسلامی نیز بنده هنوز پافشاری می‌کنم و تا زنده هستم، باز این موضوع را مطرح خواهم کرد؛ چون تا به حال در تاریخ دنیا چنین اتفاقی نیفتاده است. در اوایل اسلام، دانشگاه‌های ما از این نوع بوده‌اند؛ ولی با شکل‌گیری ملت - دولت‌ها، دانشگاه‌های ملی به وجود آمدند که می‌خواستند در سطح جهانی عمل کنند و این نتیجه‌های دیگری داشت.

در فرآیند جهانی سازی، تکلیف فرهنگ‌های ملی و بومی چیست؟ و نسبت این فرهنگ‌ها با فرهنگ جهانی چطور تعریف می‌شود؟

با توجه به تسلط قدرت‌های غربی و صهیونیستی و سانسوری که رسانه‌ها دارند، وظیفه ما در برابر تهاجم فرهنگی توسط کشورهای غربی چیست؟

پروفسور مولانا: اجازه دهید با سؤال دوم شروع کنم. دو کار باید انجام دهیم. یکی این که وحدت داخلی داشته باشیم و به همدیگر قوت قلب بدهیم. دیگر این که از اضطراب خودمان بکاهیم و اعتماد به نفس داشته باشیم. باید تا آنجا که امکان دارد، سرمان را بلند کنیم و بگوییم این مواضع ماست؛ چون ایمان

درست شد برای این که در مسیحیت حقیقت را نیافتند. می‌دیدند دانشمندان را می‌گیرند و می‌سوزانند، یا در سیاه چال‌ها می‌اندازند. ما باید از اساس تدبیری بیندیشیم. همان‌طور که انقلاب اسلامی بر پایه بنیادی اساسی درست شد، نهادهای دینی انقلاب هم باید بر اساس بنیاد اسلامی بنا شود، نه تلفیقی از دموکراسی و اسلام. فیلمی را با موضوع مسیح کار کردم تا به غرب نشان دهیم آن‌چه درباره مسیح

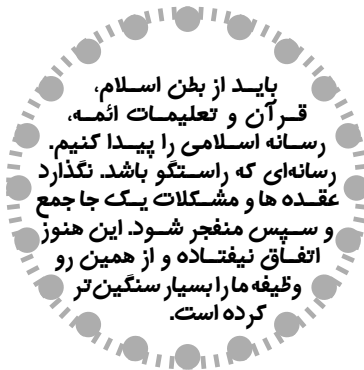


تصور می‌کنند، درست نیست و به منابع و کتاب‌های اسلامی مراجعه کنند که در آن تضاد نیست. مثل اناجیل نیست که هر چهار تا همدیگر را نفی کنند. حس کردم برای من وظیفه و تکلیف است. همان قصه را دوباره تعریف کنیم که مسیحیت خودشان را بشناسند و بدانند که چه کسی قرار بود بعد از مسیح بیاید و حقیقت کجاست. این کار با ایده دوستانی مثل شهید آوینی، حجت‌الاسلام و المسلمین قائم مقامی و امثال ایشان ساخته شد.

ما امروز وظیفه داریم همه امور را از دید اسلامی بنگریم و الگوهای اسلامی آن را بیابیم؛ چون مخاطب جدی داریم و آن طرف مرزها عقلاً گوش می‌دهند. آمریکا ایران را تهدید می‌داند. اصلاً ایران چگونه می‌تواند تهدید باشد؟! ایدئولوژی ایران، تهدیدی برای شیطان و اشرار است. مگر ما زرادخانه بمب اتمی داریم؟ مگر ما اصلاً نسل جدید بمب اتمی ساخته‌ایم؟! پس، ایدئولوژی ما تهدید است؛ چون مبنای الهی دارد و دین را در جهان احیا کرده است. نتوانسته‌اند آن را محدود کنند و از ایران بیرون آمده است. چه زمانی اسرائیل در فشار قوی قرار گرفت؟ سال ۲۰۰۰ بعد از انتفاضه. انتفاضه چطور صورت پذیرفت؟ چه مکانیزمی انتفاضه ۲ را به راه انداخت؟ انقلاب اسلامی. چگونه؟ حزب الله، اسرائیل را بعد از ۱۸ سال از لبنان بیرون راند. وقتی جهان عرب این را دید، جان گرفت، سنگ برداشت و ایستاد. آن‌ها این موضوع را خوب فهمیده‌اند که ریشه تمام این تحولات اسلامی از ایران آمده و این تهدید است. راست می‌گویند. ایران برای اشرار، تهدید است و به همین سبب کلمه ترور را همواره تکرار می‌کنند. باطن مطلب همان چیزی است که خداوند در قرآن می‌گوید: مؤمنین برای کفار تهدید هستند.

به تعبیر کارشناسان بیرون، باید از ایران دور شوید تا بفهمید چه اتفاقی افتاده است. این یک تحول عظیم بود که مسیر آن ادامه دارد و روزهای حساس‌تری را می‌گذرانیم. در خود آمریکا مردم تشنه شنیدن حرف حق هستند؛ چون شیطان کاری کرده که این‌ها مستعد شده‌اند. رشد رسانه‌های اینترنتی در آمریکا چشم‌گیر است. خیلی‌ها اطلاعاتشان را از اینترنت می‌گیرند. دیگر اخبار سی‌بی‌اس‌سی ان‌ان‌را باور نمی‌کنند. رجوع می‌کنند به نوشته‌های یک سایت ضد جنگ؛ زیرا از طریق رسانه‌های اصلی چیزی یاد نمی‌گیرند. امروزه آمریکا واقعاً در معرض ورشکستگی قرار گرفته است و نمی‌تواند خیلی بعد از این بایستد. شوروی چطور فروپاشید؟ چه مقدماتی داشت؟ این را عقلاً فهمیده‌اند؛ اما خجالت می‌کشند در مطبوعات بگویند.

ما امروز برای اصلاح این رسانه وظیفه داریم؛ البته نه از روی الگوهایی که بعضاً در دانشگاه‌ها همان را درس می‌دهند؛ چرا که اکثر آن‌ها ترجمه است. ما باید از بطن اسلام، قرآن و تعلیمات ائمه، رسانه اسلامی را پیدا کنیم. رسانه‌ای که راستگو باشد. نگذارد عقده‌ها و مشکلات یک جا جمع و سپس منفجر شود. این هنوز اتفاق نیفتاده و از همین رو وظیفه ما را بسیار سنگین‌تر کرده است.



و باور داریم. زمان انقلاب هم همین طور بود. قبل از آن خیلی‌ها اصرار داشتند که این کارها را نکنید؛ زیرا ممکن است بقیه بدشان بیاید. اما انقلاب که شد، کسانی که در حاشیه بودند، می‌گفتند ما کردیم. همه تحسین می‌کردند و می‌گفتند ما هستیم. هر کسی که حجاب داشت، جداً افتخار می‌کرد.

و اما درباره جهانی سازی و فرهنگ‌های مختلف. این جهانی سازی که از آن صحبت می‌کنند، پیش‌تر جهانی سازی ثروت و کار است نه جهانی سازی تفکری. جهانی سازی‌های شبکه‌ای به وجود آمده است که امکان دارد ما را متلاشی



کند ولی معلوم نیست که ما را متحد کند. فرهنگ‌های مختلف می‌توانند زنده بمانند و باید هم زنده بمانند؛ ولی همیشه باید اهداف بالاتری داشته باشند و آن اهداف اسلامی است. ما باید بگوئیم جهان شمولی را قبول داریم. درباره جهانی سازی هم بدون این که خجالت بکشیم می‌توانیم بگوئیم ما پیش قدم این کار بودیم. البته مرحله نخست، اقتصادی نیست؛ بلکه فکری است و ما حاضریم این را با شما همراهی کنیم. همان طوری که در قرآن کریم و احادیث گفته شده است، شما همه یکی هستید؛ برای این که خدای واحد را پرستش می‌کنید. ما باید این جهان شمولی را از آن‌جا شروع کنیم. آن‌ها از جنبه اقتصادی شروع کردند و ما باید جهت آن را

برگردانیم. این جهت برگرداندن کار چندان آسانی نیست و بر عهده حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و دولتمردان است.

جناب آقای طالب‌زاده! مستند «ایالات متحده؛ شمارش معکوس» برای چه کسانی ساخته شده است و شما برای مخاطب غیر ایرانی خودتان چه برنامه‌هایی دارید؟

آقای طالب‌زاده: ما این برنامه را برای پرس تی وی ساختیم. مخاطب هم آمریکایی و اروپایی بود. ما چیزهایی را ضبط کرده بودیم که خود آمریکایی‌ها به آن دسترسی ندارند. الان در امریکا سانسور بسیار خاصی وجود دارد و من می‌خواستم این را ثابت کنم. فرض کنید چند سال بگذرد و پرس



تی وی به عنوان یک شبکه مطرح شود و مردم آمریکا آن را نگاه کنند؛ در این صورت، چیزهایی را خواهند دید که در کشور خودشان سانسور است. نیت من در واقع مخاطب آمریکایی است که امکان دیدن این مسائل را ندارد. جالب است که ما در ایران می‌توانیم این گونه فیلم بسازیم. بخشی از کار هم برای داخل تولید شده بود. بنده ۲۰ قسمت پرس تی وی را با ۱۰ قسمتی که برای ایران بود، در یک مجموعه تلفیق کردم. فکر می‌کنم تمام این اطلاعات را باید

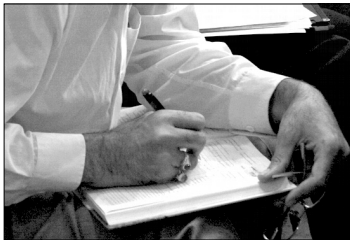
مردم ایران و به ویژه دانشجویان ببینند؛ چون اختیار جدید است. متأسفانه ما امروز از داخل آمریکا اصلاً مستند نداریم. ما که این همه شعار می‌دهیم، باید حداقل ۱۰ خبرنگار برون

مرزی تلویزیونی داشته باشیم که از داخل آمریکا درباره مسائل مختلف گزارش تهیه کنند تا شما بدانید آن‌جا چه خبر است؛ اما نداریم. حتی سیاست‌گذاری برای آموزش این خبرنگاران نداشته‌ایم. تصور می‌کنم

پروفسور مولانا تنها کسی باشند که ۲۰ سال است به طور دائم از داخل آمریکا به ما خبر می‌دهند و تفسیر و تحلیل می‌کنند. این یکی از ضعف‌های بزرگ رسانه ما است که نشان می‌دهد در این قسمت، رسانه مهندسی نداریم.

آیا استفاده از رسانه سایبر به طور کلی و به عنوان مثال وبلاگ نویسی باعث احراز هویت جوانان ما می‌شود؟ به نظر شما راهکارهای مناسب برای بهره‌وری همزمان از این رسانه و حفظ هویت جوانان چیست؟

پروفسور مولانا: یکی از عوامل کاستن اضطراب، صحبت کردن چهره به چهره است؛ اما در اینترنت و وبلاگ، ارتباط چهره به چهره وجود ندارد. هر قدر ارتباطات چهره به چهره در زندگی مان زیاد شود، اضطراب‌ها کاهش می‌یابد و توافق‌های فراوانی حاصل می‌شود. ما باید هر چه زودتر با آفات و برکات وبلاگ و اینترنت آشنا شویم. اگر این کار را نکنیم، پیش‌بینی می‌کنم آفات آن بیش از برکاتش باشد. خوشبختانه ما مسلمانان و ایرانی‌ها فرهنگ ارتباطات میان خودمان را نسبتاً حفظ کرده‌ایم و این بزرگ‌ترین حربه‌ای است که ما داریم و اگر آن را از دست بدهیم، از جنبه پزشکی، سلامتی، ایمنی، اقتصادی، سیاسی و نظامی متلاشی خواهیم شد. کارمان به حدی عادی شده است که تشخیص نمی‌دهیم چرا به نماز جماعت، حج و ... دعوت شده‌ایم. هدف این است که ما را به آن ارتباطات فردی بیاورد؛ وگرنه ما



می‌توانستیم از وسایل دیگر استفاده کنیم. تمام جامعه شناسان تأکید می‌کنند که هیچ مقطعی بهتر و مؤثرتر از ارتباطات چهره به چهره و فرهنگی نیست. این یکی از وسایل مبارزه با رسانه‌ها است.

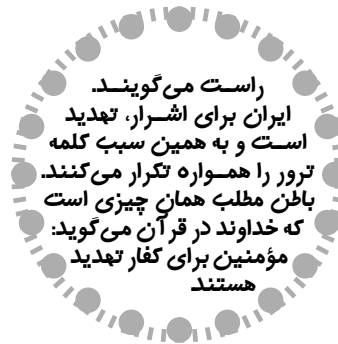
اگر شما دو ساعت به ماهواره‌ها نگاه کنید و بعد ده دقیقه درباره آن چه دیده‌اید، صحبت کنید، هشتاد درصد اشتباهاتی که در ذهنیت‌تان ایجاد می‌شود، در نتیجه تماشا کردن آن رسانه از بین می‌رود. ولی برای

ما این طور برنامه‌ریزی کرده‌اند که وقتی ماهواره‌ها را می‌بینیم و ارتباطات میان فردی درست می‌شود، حتی آن ارتباطات میان فردی با کسانی است که همان ارزش‌های ماهواره‌ای را تأکید می‌کنند. ارتباطات میان فردی نقش بزرگی را ایفا می‌کنند که ما در رسانه نمی‌توانیم داشته باشیم و آن مسأله بازده است؛ یعنی ما در ارتباطات میان فردی می‌توانیم خودمان را تصحیح کنیم؛ ولی در رسانه‌ها چنین امکانی را نداریم. ما باید به استفاده از اینترنت، آن طور که آن‌ها اطمینان می‌دهند، زیاد خوش بین نباشیم.

شما که درد را شناختید، چرا ترجیح دادید پنجاه سال از عمرتان را خارج از ایران باشید؟ می‌شود گفت تمام تجربه زیستی شما آن جا بوده است. شاید لازم باشد کسی که درد را می‌شناسد، در این میدان باشد و کاری بکند.

پروفسور مولانا: ممکن است اغلب مهاجرت‌ها داوطلبانه باشد، ولی برخی از این‌ها اجباری است. گاهی بلایی سر کشور می‌آید و عده‌ای مجبور می‌شوند مهاجرت کنند. بنده به شما اطمینان می‌دهم که داوطلبانه پنجاه سال آن‌جا زندگی نکرده‌ام؛ بلکه مجبور شدم. در ۲۰ سالگی برای درس خواندن رفتم. وقتی کار تمام شد و به ایران آمدم، نتوانستم زمان شاه کار کنم؛ به همین سبب استعفا دادم و من را مجبور کردند بروم و بمانم. از زمان پیروزی انقلاب، هر سال سه چهار بار این‌جا آمده‌ام. البته از جنبه فکری همیشه با ایران و امت اسلامی هستم. بنابراین من هم در زندگی خودم رنج بردم و از وطنم دور بودم. می‌بایست در امریکا مقاومت می‌کردم.

با توجه به این‌که پخش فیلم‌های خارجی را یک معضل می‌دانید، علت پخش این فیلم‌ها از تلویزیون چیست؟ آیا جز این است که فرهنگ غرب و بی بند و باری را ترویج می‌کند؟ آیا تلاشی برای حذف این فیلم‌ها و همچنین موسیقی‌های بعضاً غیر شرعی در صدا و سیما صورت نمی‌گیرد؟ بعضی می‌گویند برای این است که جوان‌ها سراغ ماهواره نروند؛ در حالی که اولاً این فیلم‌ها نمی‌تواند مانع ماهواره شود، ثانیاً برای جلوگیری از یک کار بدتر، باید وارد کار بد شویم یا کار خوب؟ ثالثاً به تجربه می‌بینیم که خرید ماهواره نه تنها کم نشده



موضوع تعارف دارد و به همین جهت نتوانسته است جلوی موج ماهواره را بگیرد. در مقابل آن‌ها، ما باید محصول بهتری به مردم ارائه کنیم.

ما ایرانیان دوزخ هویت داریم که با هم‌دیگر مختلط شده و هویت شیعه ما را تشکیل داده است. یک هویت ملی و یک هویت مذهبی و دینی. بین این هویت و زبان و گویشی که داریم، ارتباطی برقرار شده است. آیا اختلاط زبان ما با زبان‌های بیگانه، تأثیری در هویت ما دارد؟

تهاجم به زبان ما، از سمت کدام زبان است؟ با توجه به این‌که اختلاط زبان عربی با فارسی نه تنها هویت مذهبی ما را از بین نمی‌برد، بلکه چه بسا به این هویت کمک می‌کند. چرا فرهنگستان



بلکه بیش تر هم شده است. پس چه دلیلی برای پخش این فیلم‌ها وجود دارد؟

آقای طالب‌زاده: تلویزیون خودش هم نمی‌داند چه کار می‌کند و در گردبادی افتاده است و دور خودش می‌چرخد. یک زمان قرار بود ۱۰

درصد فیلم امریکایی نمایش دهند؛ بعضی اوقات به ۵۰ درصد هم می‌رسد! بین شبکه‌ها هم برای نشان دادن فیلم‌های جذاب رقابت وجود دارد. البته مدتی است که این موضوع را تا حد زیادی کنترل کرده‌اند. همین نقد فیلم‌های سینمایی، سیاستی برای مهار موضوع و آشنایی مخاطب با مسائل پشت پرده است. من معتقدم که در این موضوع به انقلابی برخورد کردن نیاز داریم.

در مورد موسیقی هم تصور می‌کنم بعد از رحلت امام (ره)، کاملاً پیچ موسیقی حرام یا پُر اشکال، شل شده است. اگر دقت کرده باشید روزهای عید به ویژه عیدهای مذهبی یک کلکسیون موسیقی که برای مجالس رقص هم خیلی خوب است! استفاده می‌کنند و تشخیص نمی‌دهند که ریتم به کار رفته مشکل دار است و کل جامعه را ویروسی می‌کند.

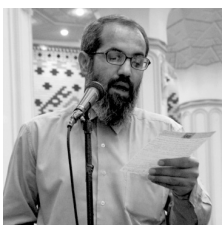
این‌که تلویزیون فیلم پخش می‌کند تا مردم سراغ ماهواره نروند، اشتباه است. به نظر من تلویزیون موظف است مشکلات و تحلیل‌ها را ارائه کند. مردم ایران، جدی و هوشیار هستند و با سرگرمی و تلف کردن وقت آن‌ها به جایی نمی‌رسیم. منتها این را باید تلویزیون تشخیص دهد و عمل کند. تا آن‌جایی که من دیدم، تلویزیون در این

همانگونه که با زبان لاتین برخورد می‌کند، چه بسا شدیدتر با زبان عربی برخورد می‌کند؟

پروفسور مولانا: درباره‌ی زبان، باید سیاست‌گذاری کنیم. در ایران ما بیش از این‌که انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی و حتی چینی یاد بگیریم، باید یک سواد خوب از زبان عربی داشته باشیم؛ زیرا عربی، زبان دینی ماست. از سوی دیگر، همسایه‌های ما اعراب هستند، نه فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها. قبلاً هم که عربی و فارسی و اردو می‌دانستیم، وضع مان بهتر از حالا بود. من در واشنگتن در دانشگاه خودمان مشاهده کردم دانشجویان مسلمان نمی‌توانند با هم صحبت کنند؛ چون زبان خودشان را نمی‌دانند. فقط از طریق انگلیسی با هم ارتباط دارند. همین وضعیت در رسانه‌ها وجود دارد. باید این‌ها را تصحیح کنیم

چگونه فرهنگ از طریق رسانه تغییر پیدا می‌کند؟ و چه راهکارهایی برای مقابله با این آسیب‌ها و تهدیدها وجود دارد؟

پروفسور مولانا: تهاجم فرهنگی هنگامی شکل می‌گیرد که پیام‌های یک فرهنگ دیگر را از جنبه غلبه کردن تهدید کند. در تهاجم



فرهنگی، انگیزه‌ای برای آشنا شدن با فرهنگ یکدیگر وجود ندارد؛ بلکه هدف اصلی، تحت‌الشعاع قرار دادن یک فرهنگ و زبان به بهای برتری دادن به فرهنگ و زبان دیگر است. ما باید به این نکته آگاهی داشته باشیم؛ و گرنه برخورد و رویارویی و حتی تماس فرهنگی با هم هیچ مانعی ندارد و بسیاری مفید است. بسیاری از مشکلات بزرگی که در دنیای معاصر پیدا شده، حاصل شکل‌گیری نظام‌های دولتی و نظام‌های بزرگ اقتصادی

سیاسی است که در قرون گذشته نداشته‌ایم. این همه غلبه‌های رسانه‌ای و مخدوش شدن تصاویر، از طرف مردم عادی نیست؛ بلکه از طرف دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. تا پنجاه سال پیش، شرکت‌های فراملی یا چند ملیتی وجود نداشته اند. براساس مطالعاتی که در علوم انسانی و اجتماعی شده، اگر دولت‌ها و سازمان‌های غیر مردمی دخالت نداشته باشند، مردم با هم دغدغه زیادی ندارند. وقتی دو نفر از چند فرهنگ با هم برخورد می‌کنند، می‌خواهند همدیگر را درک کنند و تعصب ندارند. این تعصبات در نتیجه دولت‌ها و سازمان‌های جدید به وجود آمده است. ما باید بسیاری از موارد اجتماعی و بین‌المللی را از قرآن استخراج کنیم. قبلاً این کتاب بزرگ فقط در فرایض دینی استفاده می‌شد؛ اما حالا می‌گویند ببینیم این پدیده‌هایی که مشاهده می‌کنیم، در آن جا جلوه می‌کند یا نه. در واقع ما تازه وارد دروازه‌ی این گنجینه شده‌ایم. پس مراکز علمی و به ویژه حوزه‌های علمیه باید در مورد مسائلی که ما را احاطه کرده است به تعبیر و تفسیر روایات و قرآن بپردازند.

**جهانی شدن باعث تضعیف مرزهای فرهنگی و**

**در نتیجه ورود فرهنگ‌های مختلف به حوزه‌های استحفاظی یکدیگر شده است. به نظر شما در این فضای فرهنگی چگونه می‌توانیم روی پای خودمان بایستیم؟**

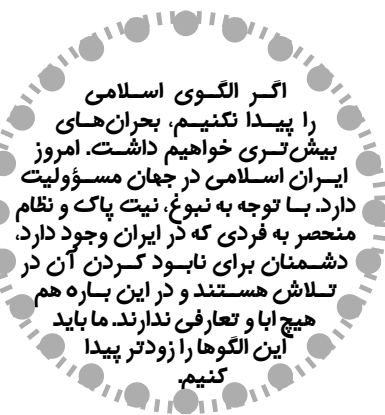
**آقای طالب‌زاده:** سیطره دشمن بخصوص باید هوشیار باشیم؛ زیرا ابزاری که آن‌ها برای نشر عقاید و فرهنگ‌شان دارند، باعث بروز بحران‌های هویت می‌شود. شش سال پیش نخست‌وزیر وقت اسرائیل پیشنهاد کرد شبکه‌های تلویزیونی در خاورمیانه ایجاد شود که فقط فیلم‌های آمریکایی پخش کند. هدف آن هم کم‌رنگ کردن روحیه انقلابی جوان‌های مسلمان خاورمیانه بود. امروز ما می‌توانیم با یک جوان فلسطینی، مصری، ترکیه‌ای، آمریکایی، فرانسوی و ... احساس واحد داشته باشیم و عمل‌مان هم واحد



است. یک ساعتی از روز همه با هم نماز می‌خوانیم و ... ولی آن‌ها این فرهنگ را ندارند. اصلاً بحث جماعت و امت را ندارند. این که این‌ها از کشورهای مختلف با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، یک‌جا واحد هستند، تهدیدی برای دشمنان به شمار می‌آید و به همین سبب در مقابلش ایستاده‌اند. ما باید توجه داشته باشیم که این یک جنگ برای کم‌رنگ‌تر کردن هویت جوانانی است که رو به رشد هستند. یکی از مهم‌ترین ابزارها برای هویت‌زدایی و کم‌رنگ کردن مرزها، رسانه‌ها است. در مقابل، ما باید رسانه‌های خودمان را قوی کنیم، به گونه‌ای که کم‌تر شعاری و بیش‌تر مطلب داشته باشند تا جوان تماشا کند و به دشمن فرصت ندهد که بتواند تحرک داشته باشد.

**چگونه می‌توان مسلمانان را از این فضای بسته و متکثر دولت - ملت‌ها به سمت یک گفت‌وگو غالب فراموشی به نام امت هدایت کرد؟**

**پروفیسور مولانا:** ما تا زمان صفویه و قاجار هویت اسلامی و شیعی داشتیم که در بسیاری از موارد بر هویت قومی و ملیتی غلبه می‌کرد. وقتی تجددگرایی شروع شد، ملیت مطرح نبود؛ بلکه ملی‌گرایی مطرح بود. ملیت آن است که من در جایی متولد شده‌ام و به آن افتخار هم می‌کنم. همین آب و خاک، خودش جالب است. ولی غرب آمد گفت: نه! شما از استبداد دست بکشید. از شاه‌تان هم دست بکشید. حالا ما بتی درست کنیم به نام ملی‌گرایی. ملی‌گرایی مجموعه سرزمینی است که ما داریم با مرزهای سیاسی و اقتصادی‌مان. سیاست و وفاداری شما باید از کلیسا و مسجد و منبر و جامعه به این ملت منتقل شود. ملی‌گرایی، یک مفهوم خیلی مبهم است. در عین حال امت اسلام، یک امت واحد است. در قرآن مجید می‌خوانیم که امت واحد از امت‌های کوچک درست شده و ما



سعی می‌کنیم این امت واحد را به وجود آوریم. بنابراین، واژه امت از واژه ملی‌گرایی خیلی بالاتر است. یعنی مایه‌ی ما می‌توانیم قبول کنیم که آذربایجانی، اصفهانی، آلمانی یا آمریکایی هستیم؛ ولی به جامعه بزرگی تعلق داریم که انسان‌ها در آن به توحید معتقد هستند. ما می‌توانیم به ملیت و تاریخ ملی خودمان چه قبل و چه بعد از اسلام بپردازیم؛ ولی جهان‌شمول باشیم. همه روان‌شناسان می‌گویند وقتی کسی متولد می‌شود، ابتدا جهان‌شمول است؛ اما به تدریج به او تزریق می‌کنیم که تو باید جزء همین خانه باشی، کم‌کم باید جزء عشایر ما باشی و ... اگر من بخواهم انسانیت و جامعه انسانی را تبلیغ کنم، می‌گویم انسان‌ها برای این که به سوی جایگاه مطلوبی بروند، باید عقایدی داشته باشند و پیرامون آن وحدت ایجاد



شود. ما مسلمانان فکر می‌کنیم که وحدت روی این عقاید است و همه با هم برادر و خواهر هستیم. بنابراین، ملیت خودمان را می‌توانیم حفظ کنیم ولی آن‌ها باید تابع این مقام بزرگ باشند. این دقیقاً جایی است که

اتحادیه اروپا می‌خواهد به آن برسد ولی نمی‌داند! ایده‌آل اروپایی‌ها این است که بگویند ما همه اروپایی هستیم؛ اما تا امروز اتحادیه اروپا فقط یک فروشگاه بزرگ است. این‌ها هنوز بین دانشگاه‌هایشان توافق فکری ندارند. وقتی قانون

اساسی اتحادیه اروپا تقدیم اعضا شد، این‌ها مخالفت کردند؛ حالا چه برسد به مذهب و فرهنگ. ما درست برعکس این هستیم. در اصول وحدت داریم و صحبت فقط در سلیقه‌های فقهی و حقوقی است.

**تا چه میزان می‌توان جریانات بنیادگرایی را ناشی از بحران هویت دانست؟**

**پروفسور مولانا:** من مایل‌م صحبت را در همین مثلث جوانه، هویت و رسانه نگه دارم. از جنبه رسانه و هویت، رسانه‌های امروزی دنیا به چند ویژگی جوان‌ها خیلی علاقه دارند و این را می‌شود به‌همه تعمیم داد.

یکی اضطراب است. همیشه هویت یک طرف سکه و اضطراب، طرف دیگر است. هرچه هویت بیش‌تر پیدا کنید، از اضطراب کاسته می‌شود. جوان‌ها بیش از همه اضطراب دارند. دوم، امنیت است. جوان‌ها می‌خواهند در امنیت زندگی کنند. وقتی امنیت

داشته باشند و آن اضطراب‌شان از بین برود، موضوع سوم را می‌خواهند و آن افتخار است. می‌خواهند یک چیزی داشته باشند که مفتخر بشوند، می‌خواهند به مقام بالا برسند. این خیلی مهم است که دنبال چه بگردند. رسانه‌ها را چه کسی اداره می‌کند؟ آمریکا، اروپا یا هر کشور دیگر که قدرت داشته

باشد، می‌خواهد هویت جوان‌ها را به ویژه به طرف خودش جلب کند. غرب می‌کوشد به ما هویت غربی بدهد. رسانه‌ها وسیله‌ای است که ما می‌توانیم خودمان را آزمایش کنیم و ببینیم آیا پیام‌های آن‌ها غلبه می‌کند یا ما در مقابل آن‌ها مقاومت

می‌کنیم. البته رسانه فقط یک منبع است، دانشگاه‌ها منابع دیگر هستند، همین طور جهانی شدن و... . آن‌ها می‌گویند انسان باید جهانی بشود برای مدرن شدن؛

یعنی سکولار و صنعتی شدن. می‌گویند شما هم مثل ما فکر کنید، ولی ما مثل شما فکر نمی‌کنیم! این‌ها می‌خواهند یک عده‌شان بر جهان تسلط پیدا کنند و این جهانی شدن آن‌هاست. جهانی شدن حقیقی، متعلق به اسلام است. ما می‌گوییم محور اعتقادات انسان‌ها باید خدا باشد؛ اما این‌ها می‌گویند معتقدات شما باید به چیز خیلی کوچک‌تر مثل دموکراسی و آزادی باشد که صد هزار تعریف دارد! این جاست که تهاجم فرهنگی می‌آید. اگر بخواهیم وضع را درست کنیم، باید از طریق خانواده، سیستم آموزش و پرورش، مساجد و رسانه‌های خودمان به

جوان‌ها آمار کافی بدهیم تا کسی نتواند به این‌ها حمله کند. این آمار نمی‌تواند قومی، عشایری و ملی باشد؛ چون یک کسی می‌پرسد: شما از کدام کشور هستید؟ می‌گوید: ایران، می‌گوید: سوئیس که بهتر از ایران است! خیلی‌ها از من می‌پرسند: پنجاه سال آن‌جا ماندی،

پس چرا آمریکایی نشدی؟ اصلاً این سؤال غلط است. می‌دانید چه چیزی جلوی آمریکایی شدن بنده را گرفته؟ نهاد خانواده، نهاد اشتغال، بازار، مسجد، نهاد آموزشی و... . من زمان رضاشاه مدرسه می‌رفتم، ولی به موازات آن سخنرانی آقای مطهری را گوش می‌دادم. وقتی به آمریکا رفتم، جهان‌بینی من



خیلی بالاتر از ایرانی بودنم بود. بنابراین، رسانه‌ها باید آمار بزرگ‌تری را درست کنند

**با توجه به موقعیت برجسته‌ای که رسانه در زندگی انسان مدرن دارد، رسانه ملی را در حوزه تصویرسازی از تیپ ایده‌آل یک مسلمان و اعطای هویت به یک جوان چگونه می‌بینید؟**

**آقای طالب‌زاده:** مرحوم امام (ره) دو جمله دربارۀ تلویزیون فرمودند. یکی این که دانشگاه است و دیگر این که اخبار باید اصلاح شود. رسانه صدا و سیما می‌تواند به گونه‌ای به مردم آموزش دهد که انگار شما در این دانشگاه در رشته‌ای در حال تحصیل هستید؛ یعنی امکان این که انسان را متحول کند. این نگاه، برخاسته از بصیرت امام بود. اما امروزه تلویزیونی که قرار است دانشگاه

باشد، نیمی از کالاهای آن اصلاً خارجی است، مطالبش هم کنترل شده نیست. البته بعضی از مسائل را مراعات می‌کنیم؛ مثلاً برهنگی و خشونت بیش از حد نباشد. بعد دوبله می‌شود به فارسی و شما دیگر خیلی حس

نمی‌کنید که خارجی است. در حالی که اگر این‌ها را به زبان اصلی با زیرنویس فارسی ببخش کنید، هویت غربی آن مشهودتر است و شما دفاعی از خودتان می‌کنید؛ ولی به این شکل کنونی، ویروس وارد می‌شود؛ چون گمان می‌کنید فیلم فارسی می‌بینید. متأسفانه طراحی نکرده‌ایم که رسانه ما چه مقدار فیلم‌های خارجی داشته باشد، اصلاً کجا باید آن را قطع کنیم، یا یک شبکه نمونه درست کنیم که هیچ کدام از این‌ها در آن نباشد. به نظرم آن‌چه مقام معظم رهبری درباره مهندسی فرهنگی فرمودند این جاست. در رابطه با خانواده هم در همین جا ضربه می‌خورد. در رابطه با اخبار هم من گمان کنم فرمایش امام (ره) خیلی محقق نشد و حداقل تا ده سال برنامه‌های تحلیلی خبری نداشتیم. اخیراً برنامه‌های ویژه‌ای بعد از خبر گذاشته‌ایم که باز در آن حدی که باید باشد نیست!

